چشمهای من دو آیینه بر جهان بیکران بازند
گوشهای من دو دریاچه بر سخنهای روان بازند
پای من از خاک تا خورشید می رود از نور آسانتر
تا به دست من چراغ ماه بر زمین تابد فروزان تر
سیب سرخ آرزوها را از درخت علم می چینم
هر چه را با چشم نتوان دید با نگاه علم می بینم
صاحب اندیشه ام یعنی پاسدار نام انسانم
با همین اندیشه ی تنها بهترین مخلوق یزدانم (2)

چشمهای من دو آیینه بر جهان بیکران بازند
گوشهای من دو دریاچه بر سخنهای روان بازند
پای من از خاک تا خورشید می رود از نور آسانتر
تا به دست من چراغ ماه بر زمین تابد فروزان تر
سیب سرخ آرزوها را از درخت علم می چینم
هر چه را با چشم نتوان دید با نگاه علم می بینم
صاحب اندیشه ام یعنی پاسدار نام انسانم
با همین اندیشه ی تنها بهترین مخلوق یزدانم (2)

چشمهای من دو آیینه بر جهان بیکران بازند
گوشهای من دو دریاچه بر سخنهای روان بازند
پای من از خاک تا خورشید می رود از نور آسانتر
تا به دست من چراغ ماه بر زمین تابد فروزان تر
سیب سرخ آرزوها را از درخت علم می چینم
هر چه را با چشم نتوان دید با نگاه علم می بینم
صاحب اندیشه ام یعنی پاسدار نام انسانم
با همین اندیشه ی تنها بهترین مخلوق یزدانم (2)

چشمهای من دو آیینه بر جهان بیکران بازند
گوشهای من دو دریاچه بر سخنهای روان بازند
پای من از خاک تا خورشید می رود از نور آسانتر
تا به دست من چراغ ماه بر زمین تابد فروزان تر
سیب سرخ آرزوها را از درخت علم می چینم
هر چه را با چشم نتوان دید با نگاه علم می بینم
صاحب اندیشه ام یعنی پاسدار نام انسانم
با همین اندیشه ی تنها بهترین مخلوق یزدانم (2)

چشمهای من دو آیینه بر جهان بیکران بازند
گوشهای من دو دریاچه بر سخنهای روان بازند
پای من از خاک تا خورشید می رود از نور آسانتر
تا به دست من چراغ ماه بر زمین تابد فروزان تر
سیب سرخ آرزوها را از درخت علم می چینم
هر چه را با چشم نتوان دید با نگاه علم می بینم
صاحب اندیشه ام یعنی پاسدار نام انسانم
با همین اندیشه ی تنها بهترین مخلوق یزدانم (2)

چشمهای من دو آیینه بر جهان بیکران بازند
گوشهای من دو دریاچه بر سخنهای روان بازند
پای من از خاک تا خورشید می رود از نور آسانتر
تا به دست من چراغ ماه بر زمین تابد فروزان تر
سیب سرخ آرزوها را از درخت علم می چینم
هر چه را با چشم نتوان دید با نگاه علم می بینم
صاحب اندیشه ام یعنی پاسدار نام انسانم
با همین اندیشه ی تنها بهترین مخلوق یزدانم (2)

چشمهای من دو آیینه بر جهان بیکران بازند
گوشهای من دو دریاچه بر سخنهای روان بازند
پای من از خاک تا خورشید می رود از نور آسانتر
تا به دست من چراغ ماه بر زمین تابد فروزان تر
سیب سرخ آرزوها را از درخت علم می چینم
هر چه را با چشم نتوان دید با نگاه علم می بینم
صاحب اندیشه ام یعنی پاسدار نام انسانم
با همین اندیشه ی تنها بهترین مخلوق یزدانم (2)

چشمهای من دو آیینه بر جهان بیکران بازند
گوشهای من دو دریاچه بر سخنهای روان بازند
پای من از خاک تا خورشید می رود از نور آسانتر
تا به دست من چراغ ماه بر زمین تابد فروزان تر
سیب سرخ آرزوها را از درخت علم می چینم
هر چه را با چشم نتوان دید با نگاه علم می بینم
صاحب اندیشه ام یعنی پاسدار نام انسانم
با همین اندیشه ی تنها بهترین مخلوق یزدانم (2)

www.tabas-pishfar.ir